

مکتوب جناب طاهره برای ابطال

مفتریات بعضی از مدعین محبت

طاهره

نسخه اصل فارسی



مکتوب جناب طاهره برای ابطال مفتریات بعضی از مدعین
محبت - کتاب ظهور الحق، جلد ۳، ۱۶۵ بدیع، الصفحة

۲۸۴ - ۲۸۶

﴿ بسمه العلی العظیم ﴾

لله الحمد حمدا شعشعانيا متلامعا كما اثني الله على نفسه حمدا يفضل على كل شيء كفضل الله على خلقه و الصلوة على عبده الذي اصطفاه لولايته و اجتباه لمحبتته و السلام على مبدء الاسماء و اول من سمى بآية معرفته و على انوار الساطعة من طراز القدرة و حروفات النازلة من عماء الصمدانية الدالة على وحدته و على الورقة المباركة من شجرة التي قد غرسها بيد قدرته و الثناء الابهى و البهاء المشرق من شمس الابداع على حملة الانوار السبحانية و السابحين في لجة الوحديّة و المؤمنين بآيات الطالعة من افق غيبية و لعنة الله على المعرضين و المستحقين لنقمة و غضبه اما بعد عرضه ميدارد مفتقره الى الله و معتصمه بحبل ولايت آل الله عليهم السلام که نوشته از بعضی اخوان الدين رسید که در مقام استفسار از حقیقت حال بر آمده یا سبحان الله از عظمت امتحان و دقت افتتان که بلا سبب وداعیه نائره فتنه را در بین فتنه قلیله اقل مما یکاد یوجد در انداختند ها انا ذا اشهد الله و اولیائه بما اقول و کفی به شهیدا که این



ORIGINAL

اقلهء مما لا يحصى ذرهء دون مما يدعى ادعاء مقامى را ندارم بهیچ وجه من الوجوه بلکه خود را داخل در زمرهء مصدقین نمیدانم و اگر از فرقهء مسلمین محسوب فرمایند و در مقام اداء این کلمهء عظمى باز دارند همین نخر کبرى ما را کافی است بشنوید ندای مرا ای معشر مصدقین بیوم الدین و مطیعین لامر رب العالمین و بذکر الله العلی الاعلی مطمئنین که غربال افتتان در بین شماها در میان است و فلک امتحان لاجل شما در دوران یا مفضل اذا غاب المولى عن ابصار الناس فهم المحجوبون بالغیبة ممتحنون بالصورة یا ملاء الانوار لا تغلوا فی دینکم و لا تقولوا علی الله الا الحق بشنوید ندای مرا و باز نگرید باعقاب خود و ساکن نشوید بعد از ایتلاف در مساکن اهل خلاف فاصبحوا فی دین الله اخوانا علی خط السوأ فان الله یحب ان تكون قلوبکم مراتا لاخوانکم انتم تنعکسون فیهم و هم ینعکسون فیکم هذا صراط الله العزیز بالحق و هو الله کان علیا عظیما یا ملأ الاصحاب بلغوا حکم الله الی من هو مثکم حیرانا و سکرانا من یدعو من دون الذکر حجة لنفسه فقد ادعی للرحمن و لدا من اتخذ من دونه و لیجة نفسه اتخذ اربابا من دون الله فمن قال فی حقه بعضا من القول فقد ارتد عن دینه فیمت و هو کافر الله اکبر که چه مقدار دقیق است این صراط و چه قلیل است قائم در تحت این فسطاط هر چند سکوت در این مقام اولی زیرا که امر مفوض الی الله است احدی را یارای تنطق و تهمز نیست انک لا تهدی من احببت شاهد بر این مدعا است و لا تحرک لسانک لتعجل به ناطق بر مفهوم و حکمش باهر و هویدا است زیرا که یوم یوم او و مقام مقامش اکاد اخفیها لتجزی کل نفس بما تسعی و لکن در مقام شکایت از نفس متغفل بین اطباق هوای خود در نزد اخوان صفا آمد که اصلا ابدای بوی طلب بمشامش نرسیده و از جام محبت ننوشیده و حقیقت این حکم عظیم را باقتضای لا یکلف الله نفسا الا وسعها نفهمیده بلکه در صحرای تیه خیالات خود سرگردان و از بادهء غفلت او را سکران می یابم آه آه که چه مقامی را طالبیم و در چه وادی رحل اقامت افکنده ایم و اما شأن آیات نازلهء از عالم عماء باذن الله العلی الاعلی در حق این اقلهء مما یحصى من باب الفضل و جاری من غیر استحقاق است و معانی بارقهء از غیاهب کلمات این آیات در مقام خود است و لا تغلوا فی دینکم و لا تجعلوا لله اندادا بحق الحق و بحق اولیائه السائرین الی الحق که بیزارم از کسی که نسبت محبت بندهء خاطهء جاهلهء دائره در وادی حیرت دهد و یا اینکه تخیل و خطور نماید که شاید کاتبهء این ورقه در مقام اضمحلال نفس مییابد که این نوع کلمات از او در مقام صدور است بشنوید ندای مرا لا تغلوا فی دینکم و لا تسموا امة من اماء الله حجة من دون حجة الله و تحسبوه هینا و هو عند الله عظیم بدانید که مؤمن لا یوصف مییابد و مرتبهء او عظیم عند الله است چنانچه فرموده بود لسان الله ناطق تعالی ذکره و روح من فی ملکوت الامر و الخلق فدا من احبه که تفسیر سورهء یوسف وصف یک مؤمن نمیشود چرا بمحض شنیدن یا صلحاء النجباء غلو در دین خود مینمائید او شاهد من است که کل مصدقین را که تصدیق نموده اند حقیقة و

صداقا من ايشانرا حجب الله و خلفاً الله و صفوة الله ميدانم و در مقام ايشان اقتران بوصف را جائز نميدانم و بنور الله منتظرم که در دعواى خود محکم چرا اينقدر ظرفها تنگ است و در عالم خود و اهل شهود واقف ميباشند يا اهل العماء القوا ما فى يمينکم من سبحات الدقائق و اعرجوا الى معراج الحقايق فان العمر قد قضت و الايام قد تصرمت و ما بقى من المهلة شيئاً و سلام من الرحمن على التابعين لذكر الله العلى باحسان صلوة بديعة عليهم فى كل حين و آن ان الحمد لله رب الانس و الجان يا كاتب الورقة يا اخى و يا قره عيني البته قلب مبارک را مشوش از اين نوع مقولات مفرما و بر دين حقيقى خود ثابت باش و در نهايت رفق و محبت سلوک با اخوان دينى خود بفرما که اصل بنیان ايمان محبت ايشان است اگر اين نوع کلمات بشنوى سينهء مبارک را تنگ مگردان بدانکه مؤمن لا يوصف است و اگر بشنوى که مدعى حجت ميباشد و در مقام اثنينيت واقف او را بلسان خوش با حسن وجه ردع فرما البته مگذار که ذرات حزن و غبار بر مرآت قلبت طارى شود که از سير الى الله وا ميدارد شما را و از دعای خير اين حقيره را فراموش نفرما و در هر حال ناظر الى الله باش و حکم خود را از کسی که اقرب بتو ميباشد طلب فرما ادعوه تضرعا و خيفة و من يتق الله يجعل له مخرجا اتقوا الله يعلمکم الله و قولوا قولاً سديداً بدان برادر جان من که شيطان با جنودش متوجه اين فئه قليلهء اقل ميباشد البته او را بنجود رخنه مده و ان کيد الشيطان کان ضعيفا